

تعزیه و تعزیه خوانی در ایران

فریده مجیدی خامنه

عوامل اضمحلال و سقوط تعزیه پس از سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۹۳۲ میلادی) می‌توان ممنوع شدن تظاهرات مذهبی و سلب حمایت حکومت از آن را دانست که به همراه عوامل دیگر سبب شد که تعزیه موقعیت خود را از دست بدهد و بعد از جنگ بین‌الملل دوم با وجود کوشش‌هایی که از سوی تعزیه‌خوانان صورت گرفته دیگر تعزیه نتوانست روی پای خود بایستد خاصه که وسایل سرگرمی و مدرن چون سینما و رادیو پدیدار شد و شرایط زندگی بنا بر طبیعت زندگی ماشینی دگرگونی پذیرفت.

بد نیست در اینجا اشاره کنیم که دو ماجرای غم‌انگیز (تراژدی) در سنت ایرانی، قبل از اسلام، از جهاتی چند با شبیه‌خوانی قابل مقایسه‌اند. ۱- یادگار زریر «یادگار زیران» اثری متعلق به ایران سده‌های میانه که از روزگار ساسانیان باقی مانده و احتمالاً بر پایه اثری اصیل از عهد پارتیان است. این اثر حماسی، همچون مصیبت امام حسین (ع) بر شخصیت زریر، منافع از جان گذشته و دلیر راه دین متمرکز است.

۲- تراژدی سیاوش که داستان بسیار مشهوری است از شاهزاده جوان و بی‌گناه برای گریز از کینه پدر، که راه آوارگی نوران زمین را در پیش می‌گیرد و در آنجا به فرمان افراسیاب به قتل می‌رسد.

نرشخی مورخ قرن سوم هجری (نهم میلادی) می‌گوید که «... و اهل بخارا را بر کشتن سیاوش، سرودهای عجیب است و مطربان آن سرودها را «کین سیاوش» گویند...» و در جای دیگر از این کتاب می‌خوانیم: «و مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه هاست، چنانکه در همه ولایتها معروف است و مطربان آن را سرود ساخته‌اند و می‌گویند و قولان آن را گریستن مغان خوانند و این سخن زیادت از سه هزار سال است (نرشخی: تاریخ بخارا، چاپ تهران، ص ۱۹، ۲۰، ۲۸)»

عناصر سازنده تعزیه:

۱- شعر: مبنای گفتگوهای تعزیه بر شعر است یعنی متن آن از شعر ساخته و پرداخته شده است.

۲- نقالی: نقالی هنری است که طی آن نقال شعری یا داستانی را با همه وجود با استفاده از همه استعدادها و اعضا و اندام خود برای جمعی نقل و روایت می‌کند تا بدانجا که شنوندگان را نه تنها سرگرم بلکه به حیرت می‌نشانند. جالب است که هنوز هم می‌توان دو روش مشخص نقالی را در تعزیه تشخیص داد: الف) بیان غمناک آوازی در دستگاه‌های معین موسیقی ایرانی که مظلوم خوانها بکار می‌برند و بازمانده نقالی مذهبی است. ب) بیان غلو شده بر از طمطراق و تحرک و شکوه که اشقیا بکار می‌بردند و بازمانده نقالی حماسی است. (نمایش در ایران - بهرام بیضایی - ص ۸۱ و ۱۲۶)

۳- سخنوری: سخنوری نوعی گفتگوست در قهوه‌خانه میان دو سخنور که با شعر صورت می‌پذیرد و در طی آن رقابتی در مدح اولیای دین بوجود می‌آید.

۴- موسیقی: سنگر تعزیه و تعزیه‌خوانی مطمئن‌ترین و بهترین مکان جهت حفظ موسیقی اصیل ایرانی چه به صورت نوحه‌خوانی، چه به صورت مخالف و موافق خوانی بود. ابوالحسن صبا در یادداشت‌های خود از موسیقی تعزیه تجلیل می‌کند و تاسفی دارد برای از دست رفتن چنین پدیده‌ای و می‌نویسد: «... موسیقی تعزیه بود که می‌توان آنرا اپراترایک نام نهاد... بهترین

تعزیه در لغت به معنی سوگواری و عزاداری و برپا داشتن یادبود عزیزان در گذشته است. لیکن در اصطلاح به نوعی نمایش مذهبی با آداب و رسوم و سنت‌هایی خاص اطلاق می‌شود و به خلاف معنی لغوی آن غم‌انگیز بودن شرط حتمی آن نیست و ممکن است گاهی خنده‌دار نیز باشد. گویانکه این نوع نمایش‌ها در آغاز کار به منظور یادآوری مظلومیت شهیدان دین و مذهب برپا شده و نوع شاد آن بعدها و در نتیجه تکامل این هنر بدان مزید گشته است.

پیشینه تعزیه:

از قرن‌های اول و دوم اسلامی رسم تعزیت‌داری و سوگواری و گریستن بر مرگ شهیدان دین در ایران رایج بوده است. آل بویه در دوران تسلط بر بغداد، مردم را به عزاداری در نخستین دهه محرم فرامی‌خواندند و این مراسم را به شهرت هرچه تمامتر پاس می‌داشتند.

در دوران پیشین نوعی تاریخ‌نویسی مرسوم بوده به نام «مقتل‌نویسی» که در این تواریخ، مصائبی را که بر خاندان امام حسین (ع) رفته بود می‌نگاشتند و از این جا بود که گسترش تعزیه در ایران را می‌توان تا حدی مدیون کتاب «روضه‌الشفها» که از نوع مقتل‌نویسی بود دانست، این کتاب که در قرن نهم هجری به‌وسیله ملاحسین واعظ کاشفی که تالیفات فراوان دارد تدوین یافت، کاملترین و شیواترین کتبی است در مقتل‌نویسی که واقعه کربلا و حوادث وابسته بدان را نیز دربردارد. بعد از مدتی این کتاب نقل مجالس دینی شهر و برای اینکه همگان از آن استفاده برند، کسانی که صوتی خوش و لحنی سوزناک و غم‌انگیز داشتند با صابایی بلند آنرا تقریر می‌کردند و شنوندگان زیر تاثیر آن می‌گریستند. کم‌کم لحن تقریر تغییر کرد و دگرگونی در آهنگ خواندن متن و اشعار آن بوجود آمد و نام روضه‌خوان و روضه‌خوانی از همین کتاب و به همین گونه در افواه و اذهان جاری شد و جایی وسیع در عزاداری و سوگواری مذهبی اشغال کرد.

حمایت بی‌دریغ صعوبه راه را برای اشاعه و گسترش تعزیه هموار کرد، بعد از دوران صفویه، در دوره نادر مراسم مذهبی از جمله تعزیت‌داری رو به افول نهاد اما در دوران زندیه باز انظار متوجه آن شد و در دوره قاجاریه به حد کمال رسید بطوری که مورد حمایت خاص پادشاه و اقبال شدید عامه شد.

از میان سیاحان و نویسندگانی که به ایران سفر کردند، اولین بار «اسلامون» و «وان گوخ» به شبیه‌سازی در ایام عزاداری اشاره دارند. و بعدها ویلیام فرانکلین در کتابی به نام «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» و سرهنگ «گاسپار دروویل» در سفرنامه خود به مراسم تعزیه اشاره دارند.

نوژن فلاندن که در سال ۱۸۴۰ میلادی (۱۲۲۸ شمسی) شاهد برگزاری مراسم تعزیه در ایران بوده می‌نویسد که (... منظره‌ای که بیشتر مرا جلب کرد جنگی بود که بین پیرون خاندان حسین و لشکر یزید اتفاق افتاد. این منظره چنان اثر می‌کرد که انسان به شک می‌افتاد نکند حقیقی باشد. تعزیه‌نامه به شعر نوشته شده که بازیگران یا آهنگ و حالات و حرکات مخصوصی می‌خوانند و در مردم ایجاد شور می‌کنند....) سفرنامه نوژن فلاندن، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ دوم - ۱۳۳۶

در دوره سلطنت سلسله قاجاریه، تعزیه‌خوانی هم از نظر محتوی و هم از نظر کیفیت و هم از نظر نحوه برگزاری و محل آن به لوج تکامل رسید. از علل و

جوانانی که صدای خوب داشتند از کوچکی نثر می‌کردند که در تعزیه شرکت کنند و در ماههای محرم و صفر همگی جمع شده و در تحت تعلیم معین البکاء که شخص وارد و عالمی بود تربیت می‌شدند. این بهترین موسیقی‌ای بود که قطعات منطبق یا موضوع می‌شد و هر فردی مطالبش را با شعر و آهنگ رسا می‌خواند.

۵- عزاداری: تعزیه در حالی که جنبه غنی نمایشی حیرت‌انگیزی دارد که سخت دلپسند و زیبا و پرشکوه است جنبه خاص خود را که تعزیت‌داری بر مرگ عزیزان دین است کاملاً حفظ می‌کند و از همین‌روست که دوستداران خاندان رسول هنگام تعزیه‌خوانی چه اشک‌ها که نمی‌ریزند و چه ناله‌ها که نمی‌کنند. ۶- پرده‌داری: در فرهنگ دهخدا آمده است که پرده‌داری «آن باشد که مشعبدان و لعیت‌بازان فرو آویزند و از پس آن هرگونه لعب و شعیبه به مردم تماشایی نمایند». پرده‌داری را شمایل گردانی نیز می‌گویند و مراد از آن شمایل بزرگان دین است. پرده‌داران یا شمایل گردانان کسانی هستند که معمولاً صحنه‌ای از حوادث، حوادثی که در تعزیه‌ها جاری است و در کتب مقابل و تذکره‌های تاریخی دینی از آنها یاد شده و روی پرده بلندی نقش شده در اختیار دارند. تعزیه از تاثیر نمایشات پرده‌ای بر کنار نیست و شاید خود نقشی داشته است در گسترش تعزیه، زیرا می‌توان پنداشت که حوادث کربلا به همراه سینه‌زنی و همسرانی و نوحه‌خوانی بخواهد بدین صورت از برابر مردم می‌گذاشته است.

۷- استفاده از اشیاء و عناصر مختلف: در تعزیه و تعزیه‌خوانی از عناصر گوناگون استفاده می‌شد. از قبیل شمشیر، سپر، سنج، دهل، اسب، کرنا، خنجر، مشک‌آب، خود زره، نیزه که جنبه عینی داشتند و در مقابل انواع دیگری بودند که جنبه سمبلیک داشتند مانند حجله قاسم، کبوترهای قاصد تیرخورده، علم، کتل، نعش، تثت آب (سمبل رودخانه فرات) شاخه نخل (سمبل درخت و نخلستان) انگشتر عقیق (سمبل چشمه زاینده) میدان (سمبل میدان جنگ). ۸- از میان برداشتن فاصله با تماشاگر: تعزیه در میان مردم خوانده می‌شود و صحنه در وسط میدان است. همه تعزیه‌خوانان روی صحنه‌اند. ۹- ایمان و اخلاص: تعزیه‌خوانان بیشتر به اجرا معنوی و یادش آخرت چشم‌دازند و بیشتر خود را ذاکر حسین (ع) می‌خوانند و دسمنزدشان بیشتر جنبه هدیه و ادای نثر دارد. ۱۰- هماهنگی کامل بازی با متن: بین متن تعزیه و بازی هماهنگی کامل وجود دارد. یعنی حالت و روش و رفتار تعزیه‌خوان منطبق است با موردی که در متن تعزیه جاری است.

تعداد و اسامی تعزیه‌ها:

آقای صادق همایونی در کتاب تعزیه و تعزیه‌خوانی می‌نویسد: «تعداد تعزیه‌ها در حدود یک‌صد عدد است که از میان آنها می‌توان به تعزیه‌های: حجة الوداع، وفات پیامبر (ص)، وفات امام حسن (ع)، هفتاد و دو تن، شهادت امام (ع)، غارت خیمه‌گاه یا شهربانو یا غارت و فرار شهربانو، شهادت مسلم، علی‌اکبر، حر ریاحی، حقلان مسلم، وفات رقیه، فاطمه صغرا، شهادت قاسم، خروج مختار، ورود به کوفه یا تخت خولی و... نام برد.

اصطلاحات و اسامی در تعزیه:

- ۱- ابن سعد: سردار یزید و مأمور جنگ در دشت کربلا.
- ۲- ابن سعد خوان: کسی که نسخه مربوط به ابن سعد را در تعزیه در دست دارد و همین‌گونه است ابوالفضل خوان، زینب‌خوان، حمزه‌خوان، حرخوان، علی‌اکبرخوان، قاسم خوان، شمرخوان.
- ۳- اشقیاء: دشمنان حضرت حسین (ع) در دشت کربلا و اصولاً کسانی که نقش مخالف یا پیغمبر یا ائمه و خاندان آنها را دارا هستند.
- ۴- آقا: مراد امام حسین (ع) است.

۵- بانی: برپا دارنده مجلس تعزیه که اجرت تعزیه‌خوانان و هزینه تعزیه را بنا به خواسته نیت و نیاز و نثری می‌پردازد.

۶- پدر حنین: مراد حضرت فاطمه‌زهر (س) است.

۷- بوسه‌گاه پیغمبر (ص): گلوی امام حسین (ع).

۸- پسر زهرا: امام حسین (ع).

۹- پیشخوانی: نوحه‌ای را گویند که قبل از آغاز تعزیه خوانده می‌شود.

۱۰- پیش‌واقعه: قطعاتی بوده که بعضی از گروه‌های تعزیه‌خوان، در بعضی از نقاط با استفاده از یک واقعه اصلی اجرا می‌کرده‌اند به نحوی که منجر به نمایش کامل تعزیه شود.

۱۱- تعزیه‌گردان: کارگردان برگزاری تعزیه که نسخه اصلی تعزیه که به آن نسخه‌گردان نیز می‌گویند در دست لوست.

۱۲- جعفر جنی: فرزند زعفر جنی، پادشاه چینان که روز عاشورا وارد کربلا می‌شود تا خود و چینان دیگر که همراه با او هستند حضرت را یاری کنند.

۱۳- طارت: از سرداران خونخواره یزید و قاتل دو طفلان مسلم.

۱۴- زن‌خوان: کسانی که در تعزیه نقش زنانی چون زینب ام‌لیلا، معصومه و غیره را اجرا می‌کنند.

۱۵- شام غریبان: غروب روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ محرم که همه چیز پایان یافته است.

۱۶- فرنگی: صبیحی.

۱۷- موافق خوان یا موافق‌خوان: تعزیه‌خوانانی که نقش اعضای خاندان رسول و ائمه را برعهده دارند.

۱۸- معین البکاء: تعزیه‌گردانان یا کارگردان تعزیه.

۱۹- ناظم البکاء: کمک تعزیه‌گردان.

۲۰- والد هشت و چار: مراد حضرت علی (ع) است.

۲۱- همسرانی: با هم‌خوانی، دسته‌جمعی خوانی

۲۲- مخالف‌خوان: کسانی که نقش‌های مخالف اولیاء دین را دارند.

۲۳- مظلوم‌خوان: کسانی که نقش ائمه و خاندان رسول (س) و حسین (ع) را برعهده دارند.

۲۴- شبیه: کسانی که در تعزیه نقش موثر دارند.

۲۵- تعزیه‌نامه: اشعاری نوشته شده در نسخه‌های یک تعزیه.

۲۶- تعزیه‌نویس: نویسندگان تعزیه‌ها را گویند اعم از آنان که خود سازنده و پرارنده اشعار تعزیه بوده‌اند یا آنان که نسخه‌ها را رونویسی می‌کنند.

۲۷- تعزیه دوره: در بعضی از نقاط بویژه در روز عاشورا که تماشاچیان دور تا دور میدان نشسته بودند. تعزیه‌خوانان به صورت گروه‌های مختلف هرکدام یک تعزیه را با سرعت اجرا می‌کردند و زنجیروار از برابر تماشاچیان می‌گذشتند و این را تعزیه دوره می‌گفتند. در سده اصفهان و سلطان‌آباد عراق تعزیه را هنوز هم در حرکت از جایی به جای دیگر می‌خوانند.

۲۸- تعزیه زنانه: تعزیه‌هایی بوده است که وسیله تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردان زن و برای تماشاچیان که همه زن بوده‌اند اجرا می‌شده مثلاً در کتاب تئاتر ایرانی آمده است: «... در بوشهر برخلاف عادت، نقش زنان را خود زنها بازی می‌کردند...»

۲۹- چاووش: قافله زوار.

۳۰- چاووش‌خوانی: در سابق کسانی که می‌خواستند به زیارت مشهد یا کربلا بروند طی چندروز در کوچه‌ها سوار بر الاغ که معمولاً رنگی به گردن داشت با علم حرکت می‌کردند و اشعاری می‌خواندند. خواندن آن اشعار را چاووش‌خوانی می‌گفتند و خواننده را چاووش‌خوان.

۳۱- حدیث کردن: در بعضی از گروه‌های تعزیه‌خوان، قبل از شروع تعزیه، خلاصه ماجرا وسیله تعزیه‌گردان برای تماشاچیان شرح می‌شد و در آخر طلب خیر می‌گردید.



تعزیه خوانی در تهران قدیم

تعزیه خوانی در دارالخلافه تهران و محلات و تکیه‌های آن با شکوه و جلال انجام می‌گردید. برای شبیه‌خوانی قبلاً نسخه‌هایی به شعر و یا نثر تهیه می‌گردید و کارگردانان که آن روزها تعزیه گردان می‌گفتند با کسانی که می‌باید نقش یکی از شخصیت‌های تعزیه را ایفا نمایند، تمرین‌های لازم را می‌کردند. باید دانست که تعزیه و شبیه‌خوانی هم دو نوع بوده یک نوع مفصل و با شکوه و پرتجمل که معمولاً در تکیه‌های بزرگ دارالخلافه از جمله تکیه دولت و در حضور شاهان قاجار و امنای دولت و رجال برگزار می‌گردید و یک نوع مختصر و کمی محدودتر که اکثراً بطور خصوصی و جداگانه در خانه و تکیه‌های مخصوص انجام می‌شد. به هر حال وقتی بازیگران نسخه‌ها را از حفظ می‌کردند هر کدام به ترتیب وارد جایگاه مخصوص نمایش می‌گردیدند و نقش محوله را اجرا می‌کردند، برای هر یک از اشخاصی که در صحنه حاضر می‌شدند یک نوع لباس و وسائل مربوط در نظر گرفته می‌شد. مثلاً لباس حضرت سیدالشهدا (ع)، قبا‌ی راسته سفید، شال و عمامه سبز، عبا‌ی ابریشمی، شانه زری سبز یا سرخ، که در موقع پیکار، حضرت از چکمه استفاده می‌کرد و در موقع عادی تعزین زرد به پا می‌نمود. شبیه پیامبران و سایر امامها بیش و کم همین قسم لباس می‌پوشیدند. شبیه زنها پیراهن سیاه داشتند که تا پشت پا می‌رسید و پارچه دیگری نیز به سر می‌افکندند، فراخی این روسری‌ها به اندازه‌ای بود که دستها را هم تا سرانگشت‌ها می‌گرفت.

یک پارچه سیاه دیگری هم بود که چهره آنان را تا زیر چشم مستور می‌داشت، بطوری که جز سیاهی چشم و سرانگشتان، تمام بدن بوسیله این سه قطعه پارچه پوشیده می‌شد، لباس دختر بچه و پسر بچه‌ها، پیراهن عربی بلند و مشکی با سرپند بود که فقط قرص صورت آنها را ظاهر می‌ساخت. سرداران مخالفین مثل یزید و ابن زیاد و ابن سعد یا خلفای معاند چون معاویه و هارون و مأمون را با جبه ترمه و عمامه شال رضایی یا شال کشمیری مجسم می‌کردند، جنگجویان دو طرف اعم از موافق یا مخالف، عموماً زره می‌پوشیدند و کلاه خود پر دار به سر می‌نهادند.

البته مخالفین زیر زره، قبا‌ی سرخ و موافقین قبا‌ی سفید می‌پوشیدند. لباس فرشتگان جبه و ترمه و تاج بوده و برای اینکه جنبه ملکوتی و ناهری بودن آنها آشکار گردد، پُرچه تور سفید یا آبی روشن به چهره خود می‌افکندند. اما در خصوص لحن و آهنگ مخالف‌خوانها یعنی شمر، ابن زیاد و حارث و ابن سعد و دیگران لازم می‌آمد که آهنگ صدایشان تهدیدآمیز و خشن و پر خاش‌گرانه باشد و به عبارت دیگر می‌باید صورت رجزخوانی به خود گیرد. در غالب تعزیه‌هایی که کمی مفصل‌تر و مجهزتر انجام می‌گرفت از وسایلی چون اسب و اشتر هم استفاده می‌شد، به این معنی که جنگجویان سوار بر اسبها می‌شدند و کاروانیان با اشتران چهاردار وارد صحنه می‌گردیدند، در بعضی از شبیه‌خوانی‌ها پوست شیر هم به کار رفته که کسی به جلد آن می‌رفت تا نقش شیر معروف تعزیه را اجرا نماید.

تعزیه و شبیه‌خوانیها معمولاً در روز عاشورا شروع و مقارن ظهر خاتمه پیدا می‌کرد و آنوقت شب همان روز شبیه‌خوانی به صورت شام غریبان تجدید می‌گردید.

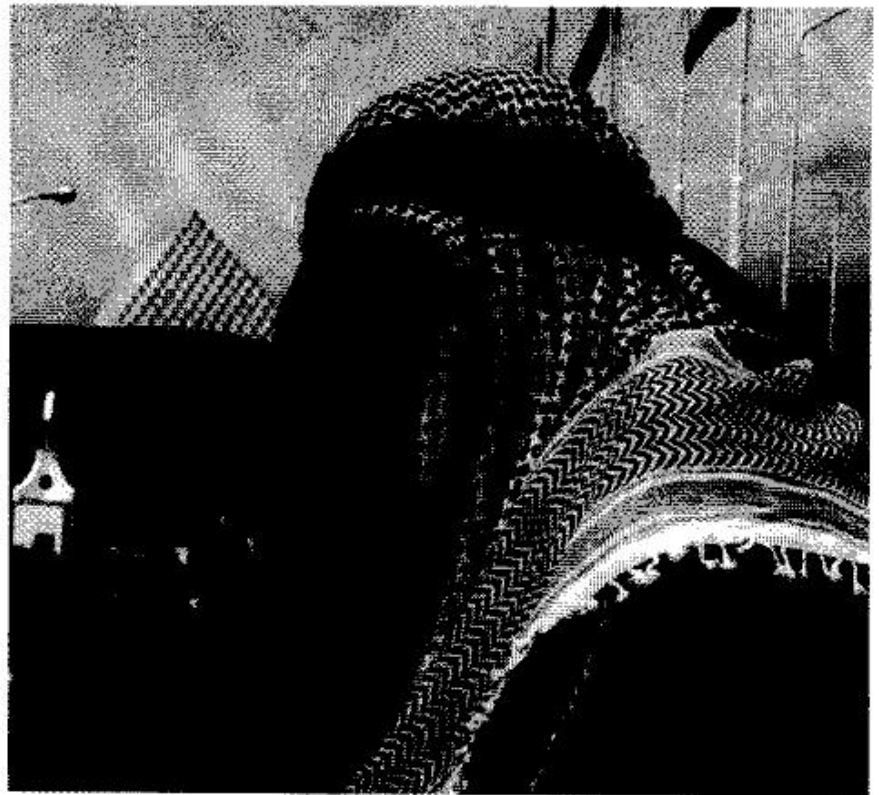
تعزیه در خور اصفهان

خور شهرکی است آرمیده در پناه یک نخلستان بزرگ در حاشیه کویر مرکزی ایران که مرکز بخش خور و بیابانک است از شهرستان نائین استان اصفهان.

آقای مرتضی هنری، در کتاب تعزیه در خور می‌نویسد: «... در ماه محرم که هنگام ظهور دلیستگی‌ها و ارادت شیعیان به حضرت امام حسین (ع) است

کمتر خوری را می‌توان یافت که از هر شهر و روستای دیگر رو به خور نیامورد و برای شرکت در عزاداری حضرت امام حسین (ع) به دیار خود نرود. تا چند سال پیش رسم چنین بود که در شامگاه غم‌انگیز هر روز نیمه اول ماه محرم، همه بزرگان خور در حسینیه گردآیند و با خلوص نیت سطل‌های آب را از پایاب‌های برآرند و حسینیه و تمام کوچه‌های اطراف حسینیه را آبیاشی و بعد جارو کنند. بعد تخت‌ها و وسط حسینیه و غرفه‌ها را با فرش‌هایی که دختران و زنان از خانه می‌آوردند فرش می‌کردند. یکی از تخت‌ها که بلندتر بود به نخل اختصاص داشت و نخل داربست اتاق‌گونه‌ای بود که از شب پنجم محرم با لباس‌هایی که مردم نذر کرده بودند تزئین می‌شد و دو طرف آن را آئینه‌بنان می‌کردند و به داخل آن زنگ‌های کوچک و بزرگ می‌آویختند. در گذشته که جمعیت کم حسینیه اجازه چنین کاری را می‌داد گروهی نخل را بر دوش می‌گرفتند و دو علم سیاه‌پوش را در جلو آن حرکت می‌دادند و جلوی هر تخت نخل را تکان می‌دادند. فریاد «یا حسین» به آسمان بلند می‌شد و آنها که در تخت بودند، به نخل گردان پول می‌دادند.

در ماه محرم که چراغ بیرق که بالا می‌رفت، سیل جمعیت به سوی حسینیه‌ها سرازیر می‌شد، ابتدا مردم در وسط حسینیه دو صف روبروی هم می‌کشیدند و بندی از دوازده‌بند محتشم کاشانی را می‌خواندند، بعد نوحه



می خواندند و در وسط دو صف راه می رفتند و مردم بر سینه می زدند و جواب می دادند.

بعد از سینه زنی و روضه خوانی، تعزیه خوانی صورت می گرفت. تنها تعزیه حضرت امام حسین (ع) در نیمروز عاشورا در «لرد عباسعلی» انجام می شد.

در خور معلوم نیست از چه زمانی شبیه خوانی آغاز شده اما نوشته علمی که تاریخ ۹۸۲ هجری بر آن است معلوم می دارد که در آن زمان مراسم ارجمند عزاداری حسین (ع) در این منطقه رواج داشته است و مسلم است که برگزاری این مراسم در حدود یک قرن پیش به اوج رسید. خوری ها از اول محرم تا آخر ماه صفر هر روز یک مجلس تعزیه اجرا می کردند که جمعا ۶۰ تعزیه را شامل می شد. نقش مرحوم ابوالحسن یغما در سرودن تعزیه ها را نباید از نظر دور داشت. او و فرزندش و دیگر شاعران خور نقش مهمی را در این زمینه ایفا کردند و صد ها نوحه و مرثیه در رثاء خاندان نبوت و بویژه در بیان فاجعه کربلا سرودند.

شاعران خور خود شعرهای بسیار بر تعزیه ها افزودند. اسماعیل هنر فرزند ارشد یغما شبیه فرنگی را ساخت که در آن تعزیه «یزید» در مجلس عام بر لب و دندان حضرت حسین (ع) چوب می زد و نماینده یا کنسول دولت روم که عیسوی بود در آن مجلس حضور داشت و پس از شنیدن آیه آخر از سوره الشعرا «وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون» از دو لب، سر بریده امام حسین (ع) به اسلام گروید و یزید را ملامت کرد.

مرحوم یغما مقدار قابل توجهی از آب و اراضی و باغ های خود را وقف به عزاداری سیدالشهدا و خاندان رسالت کرد و خانه ای را که به قلمه حاج عبدالغفور مرسوم است خرید و وقف بر محل روضه خوانی و تعزیه داری نمود.

تعزیه های خور باقی بود تا اینکه میان دو برادر که اکثر نسخه های تعزیه در دست ایشان بود اختلاف افتاد و کار این اختلاف به شبیه خوانی شبیه های محرم کشیده شد و در یکی از شبیه های دهه محرم یکی از برادران که نسخه ها و جنگ های تعزیه در اختیار او بود همه را در حسینیه روی آتش ریخت و سوزانید

و بدین ترتیب آن گنجینه عظیم که همه به خط خوشنویسان و سروده شاعران گرانمایه خور بود یکسره از میان رفت و تنها پنج تعزیه ای که رونویس های آنها در دست دیگران بود برجای ماند.

در ذکر ویژگی های چند تا از تعزیه هایی که در خور برگزار می شود باید گفت:
- با سواد بودن، خوش صدایی، نیک نامی، سابقه و علاقه شرط های اصلی تعزیه خوانان بود

- هر تعزیه خوان نقشش را از روی نسخه ای که ساعتی پیش از شروع تعزیه به او داده بودند می خواند و تمرینی نداشت.

- در هر نسخه فقط اشعار مربوط به همان شبیه خوان نوشته شده و فهرست گردان از روی فهرست نوبت خوانندان را اطلاع می داد.

- انجام حرکات و رفتار شبیه خوانها در حال اجرای نقش به تجربه آنها و رفتار کسی که در سالهای قبل این نقش را داشته و نیز به راهنمایی فهرست گردان بستگی داشت.

- آهنگ ها بسیار متنوع بودند و چه بسا هر شعر چند آهنگ داشت که شبیه خوان به اختیار آهنگی را برمیگزید و این تعزیه ها نقش عظیمی در ماندگاری بسیاری از آهنگ های محلی و قدیمی داشت.

- تنوع آهنگ ها فقط برای موافق خوان ها بود. مخالف خوان ها با فریاد و با نحن پرخاشگرانه و صدای کلفت شعرهایشان را می خواندند.

- تنها وسیله موسیقی طبل بود که پیش از خواندن مخالف خوانها و پس از آن نواخته می شد و همچنین هنگام جنگ.

- وسیله جنگ فقط شمشیر بود و حرکات خاص شمشیرها جنگ را نشان می داد.

- در برابر تعزیه های مسلم، علی اکبر، حضرت عباس و امام حسین (ع) که ایستاده و با حرکت بسیار اجرا می شد، تعزیه حضرت امام حسن (ع) نشسته و آرام اجرا می شد (بجز صحنه های آخر).

- حسینیه خور تخرلی دارد که از قدیم مردم لباس های بسیار ارزنده بر آن نذر می کردند و در روز پنجم محرم مردم نخل را با این لباس ها و آئینه های بسیار می آرایند و به داخل، زنگهای بزرگ می آویزند و بالای آن شمشیر می بندند و به نوک شمشیرها انار می زنند.

- شبیه خوانهای امام و شهدا قبای سیاه می پوشیدند و روی سر عمامه سیاه می بستند.

- شهدا پیش از جنگ کفنی می پوشیدند که پارچه ای سفیدرنگ با خال های قرمز داشت.

- شبیه خوان زنان جامه سیاه بلند که تا پشت پا می رسید می پوشیدند و چارقد و روبند سیاه می بستند.

- مخالف خوانها جامه قرمز و کلاه یا دستار قرمز می پوشیدند و شال قرمز می بستند.

- شبیه خوانها به هنگام جنگ روی ساق پا چرم چکمه مانند می بستند که «زنگال» خوانده می شد.

- تعزیه سراها به هنگام سرودن متن تعزیه ها بعضی از کتب تاریخی دینی را پیش چشم داشته اند و در این میان بیشتر از «روضه الشهدا» ملاحسین واعظ کاشفی، «طوفان البکاء» محمد ابراهیم جوهری، «حجیب السیر» غیاث الدین خواندمیر استفاده کرده اند و بسیاری از اشعار تعزیه ها به عینه از طوفان البکاء نقل شده است.

تعزیه های زنانه:

زنان از علاقمندان پرشور تعزیه هستند. آنان در شاهرود علاوه بر تماشای تعزیه های عمومی، خودشان نیز به برگزاری تعزیه های زنان اقدام می کردند که توسط ملاحظاتی های محلی سازماندهی می شد.



در زمان رضاخان، مجالس تعزیه‌خوانی زنانه به دور از چشم ماموران دولتی در محله‌های سنتی شهر شاهرود برپا می‌شد و همین امر موجب قوت گرفتن تعزیه‌های زنانه شد. در این شهر زنان سخت مقید به آداب و شئون مذهبی هستند بنابراین از انجام هرگونه عمل معایر با موازین اسلامی جلوگیری می‌کنند. به این مناسبت در تعزیه‌های زنانه از پیکره‌ها یا وسایل موسیقی و... خبری نبود و اکثر تعزیه‌خوانها ملاحای زن بودند که اعتبار ویژه‌ای بین زنان داشتند. زنان برای ادای حاجات به مناسبت‌های مختلف نذر می‌کردند که در هنگام تعزیه به انای آن می‌پرداختند و برای برگزاری تعزیه در خانه‌ها، منازل ملاحای زن و سادات جلیل‌القدر به ایجاد منبرخانه اقدام می‌کردند به طوری که در هر محله‌ای یک یا چند منبرخانه بوجود آمد که این منبرخانه‌ها از تقدس خاصی برخوردارند تا جایی که اهالی نذر و نیاز می‌کنند و حاجات خود را در منبرخانه‌ها طلب می‌کنند.

تعزیه‌های ماه محرم در شاهرود:

- روز اول محرم: تعزیه حضرت مسلم(ع)
- روز دوم محرم: تعزیه حر
- روز سوم محرم: تعزیه حضرت قاسم(ع)
- روز چهارم محرم: تعزیه حضرت علی‌اکبر(ع)
- روز پنجم محرم: تعزیه حضرت ابوالفضل(ع)
- روز ششم محرم: تعزیه حضرت پشت در پشت
- روز هفتم محرم: تعزیه عباس(ع)
- روز هشتم محرم: تعزیه حجة‌الوداع
- روز نهم محرم: تعزیه حضرت عباس(ع)
- روز دهم محرم: تعزیه عاشورا
- روز یازدهم محرم: تعزیه غارت
- روز دوازدهم محرم: تعزیه مختار

تعزیه‌های ماه صفر در شاهرود:

- بیست و یکم ماه صفر: تعزیه ورود اهل بیت به مدینه
- بیست و دوم ماه صفر: تعزیه فاطمه صفری(س)
- بیست و سوم ماه صفر: تعزیه مصیب
- بیست و چهارم ماه صفر: تعزیه ضربت خوردن حضرت علی(ع)
- بیست و پنجم ماه صفر: تعزیه حضرت زهرا(س)
- بیست و ششم ماه صفر: تعزیه امام موسی کاظم(ع)
- بیست و هفتم ماه صفر: تعزیه امام حسن مجتبی(ع)
- بیست و هشتم ماه صفر: تعزیه امام رضا(ع)

در دهه گذشته به علت فقدان چند نفر از تعزیه‌خوانان حرفه‌ای و کهنولت تعزیه‌گردانان، تعزیه به ترتیب فوق برگزار نمی‌شد فقط چنانچه اوضاع و احوال ایجاب می‌کرد در دهه محرم تعزیه می‌خواندند.

در مورد تعزیه‌های زنانه می‌توان گفت چون اکثر تعزیه‌خوانان ملاحای محلی هستند قاعدتاً در مواقع محرم و صفر به علت اشتغالات بیش از حد آنان به روضه‌خوانی، تعزیه‌ای برگزار نمی‌شود و در دهه فاطمیه بر اساس درخواست «بانای» به ترتیب زیر مجالسی را برپا می‌کنند.

- ۱- تعزیه حضرت مسلم(ع)
- ۲- تعزیه حجة‌الوداع
- ۳- تعزیه حر
- ۴- تعزیه عباس
- ۵- تعزیه حضرت علی‌اکبر(ع)

- ۶- تعزیه حضرت قاسم(ع)
- ۷- تعزیه غلام ترک
- ۸- تعزیه وهب
- ۹- تعزیه حضرت ابوالفضل(ع)
- ۱۰- تعزیه عاشورا

منابع و ماخذ:

- ۱- هنری، مرتضی، تعزیه در خور، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۵۴.
- ۲- نجمی، ناصر، دارالخلافة تهران و انتشارات همگام، تهران، ۱۳۶۲.
- ۳- همایونی، صادق، تعزیه و تعزیه‌خوانی، از انتشارات جشن هنر، بی‌تا، بی‌جا.
- ۴- چاکووسکی، پتر، تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حانمی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۵- محجوب، محمدجعفر، نشریه شماره ۳ جشن هنر شیراز، تخت‌جمشید، ۱۳۶۴، ص ۱.
- ۶- فلانن، اوژن، سفرنامه اوژن فلانن، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ دوم، ۱۳۳۶.
- ۷- نرسخی، تاریخ بخارا، چاپ تهران.
- ۸- بیضایی، بهرام، نمایش در ایران.
- ۹- شریعت‌زاده، علی‌اصغر، فرهنگ مردم شاهرود، چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.